

آفات و چالش‌های هویت دانشجویی و راهکارهای مقابله با آن
(با محوریت آموزه‌های قرآن و حدیث)

دکتر مهدی اکبرنژاد^۱

امیر فتاحی^۲

زرین تاج محمدی^۳

چکیده

چالش‌های پیش روی هویت دانشجویی و مسائل مترتب بر آن، موضوع پژوهش حاضر می باشد. هدف این پژوهش، گزینش و بررسی اهمّ آسیب‌ها و چالش‌های هویت دانشجویی و ارائه راهکارهای عملی مقابله با آن است. از این رو تلاش شده است ضمن تحلیل آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام و استنباط و بهره‌گیری از این آموزه‌های اسلامی، پس از بیان و تبیین اهمّ چالش‌های هویت دانشجویی، به ارائه راهکارهای کاربردی جهت برونرفت از چالش‌های مذکور نیز پرداخته شود. دستاورد تحقیق گویای این مهم می باشد که بارزترین چالش‌های هویت دانشجویی، بحران‌هایی همچون هیجان جوانی و غرور علمی، ناامیدی نسبت آینده مبهم، استقلال طلبی و ... می باشد. در این راستا، جهت مقابله شایسته با این چالش‌ها، راهکارهایی ارائه شده است که این اقدامات در کنار برنامه ریزی صحیح و راهبردی در این زمینه می تواند بستری مناسب برای تربیت و پرورش دانشجو را فراهم آورند و نقش مهمی را در برونرفت از چالش‌های مذکور ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: دانشجو، هویت دانشجویی، دانشگاه، چالش‌های هویت.

^۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

پست الکترونیک: m_akbarnezhaad@yahoo.com

شماره تماس: ۰۹۱۸۳۴۱۸۸۰۹

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

پست الکترونیک: amirfatahi313@yahoo.com

شماره تماس: ۰۹۱۶۸۷۱۵۹۱۸

^۳ - کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز

پست الکترونیک: banoo_mohammadi@yahoo.com

مقدمه

امروزه قشر دانشجو به عنوان نبض تفکر و اندیشه کشور، به شدت تحت تاثیرآفاتی چون رکود فکری، اختلال روانی، ابتذال، افراط در امور مادی و رفاهی که مورد مسابقه جوانان غربیست، قرار گرفته و ناآگاهانه قدم در راهی گذاشته که انتهای آن به بی‌هویتی، پوچی و بی‌اصلتی منتهی شده می‌شود و او را در حدّ جوانان غربی تنزل می‌دهد. به نظر می‌رسد که بحث از اخلاق کاربردی، برای نسل نو و قشر جوان جامعه، در دنیای متجدد امروز که ارزش‌های اخلاقی آشکارا زیرپا گذاشته شده و بدان بی‌اعتنایی می‌شود، از ضروری‌ترین مباحث باشد؛ چرا که نیروی بلند پرواز و آرمان‌خواه دانشجویان، نردبان صعود به قله‌های پیشرفت در عرصه‌های مختلف است و نادیده گرفتن این نیرو و هزینه نکردن برای رشد آن و بی‌توجهی به پیش‌گیری از آسیب رسیدن به آن، در هر سطح و به هر شکلی باشد، به معنی حمایت از واپسگرایی است. حال باید پرسید چگونه می‌توان دانشجویان را که در مهمترین مرحله شکل‌گیری هویت و شخصیت خویش هستند و آسیب پذیرترند، از این چالش‌ها مصون نگه داشته و بستری مناسب جهت رشد و بالندگی وی فراهم نمود؟

بر این مبنا که دین اسلام، با ارائه علوم و معارف خاص، خود را « تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ » (نحل: ۸۹) می‌خواند و نیز همگان را در هر شرایطی به خیزش دانشجویی سفارش می‌کند (اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ)^۱ و طلب دانش را امری واجب معرفی می‌نماید (طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ)^۲.

در این تحقیق سعی بر آن است که پاسخ این سوال فوق را در آموزه‌های دین اسلام مورد واکاوی قرار گیرد؛ همچنین تلاش شده است علاوه بر بررسی چالش‌ها و آسیب‌های موجود هویت دانشجویی، راهکارها و راه برون رفت از این چالش‌ها از میان آموزه‌های دین حیات بخش دین اسلام دریافت و ارائه شود.

۱- هویت دانشجویی

هویت دانشجویی، مجموع انتظاراتی است که از یک فرد دانشجو در نقش و جایگاهی که قرار گرفته می‌رود. شخصیت دانشجو به اقتضای سنّش، ثابت و پایدار نیست و همواره در معرض تزلزل است. دوره جوانی دوره انتقال از عدم تشخیص به سوی شخصیت یافتن است. مرحله تکوین شخصیت حقیقی و واقعی دانشجو با چالش‌ها و آفاتی دست به گریبان است که بازشناسی این چالش‌های مختلف

هویتی دانشجوی و و مواجهه منطقی با این آفات، در شکل پذیری صحیح هویت دانشجویی جوان از اهمیت زیادی برخوردار است. طبیعتاً چاره اندیشی برای بحران های مربوط به هر یک از چالش های مذکور، در گام نخست، نیازمند شناخت صحیح اجزای هویت دانشجویی است که در ذیل به اهم اجزای هویتی دانشجوی و روند بروز چالش در این مولفه ها اشاره می شود؛

۱-۱- هویت علمی

با صراحت می توان دانشجوی را موثرترین مولفه انسانی نه تنها در دانشگاه، بلکه در جامعه هم نام برد. دانشجوی امروزی دارای رسالت و وظایفی بسیار مهمتر از فراگیری دروس خاص علمی می باشد و این نقش ها زمانی پر رنگتر خواهد شد که تاثیر دانشجوی را در ارتباط فرهنگ یک جامعه ببینیم. اما شاید بتوان گفت که نگاه عمومی جامعه در ابتدا به دانشجوی، متوجه وظیفه علمی او است و اولین انتظار از دانشجوی، رشد و کارآمدی علمی اوست. همچنین با توجه به اینکه دانشجوی قبل از هر هویتی جوان است، هیجان جوانی، انگیزه حرکت به سوی بلوغ فکری را تحت تأثیر قرار می دهد و در سایه آن فرصت فکر کردن و نتیجه گیری از اطلاعات موجود، رو به کاهش می گذارد و این روند، زمینه را برای بروز چالش های بیشتری در این حوزه فراهم می کند. در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: « ان لله ملکا ينزل في كل ليلة فينادي يا ابناء العشرين جدوا و اجتهدوا^۳؛ همانا خداوند فرشته ای دارد که هر شب فرود آمده فریاد می زند: فرزندان بیست ساله کوتاهی نکنید و تمام توان را [برای رسیدن به هدف] مصرف کنید. چنانچه مقصود از «اجتهدوا» تلاش طاقت فرسا در پناه استدلال برای رسیدن به مطلوب باشد، پیام ضمنی روایت، لزوم تلاش در مسیر دستیابی مقام و جایگاه مناسب دوره جوانی که با تکیه بر صحت هویت علمی محقق خواهد شد و نیز بر حذر داشتن از رفتار هیجانی و احساساتی است. پس جوان می تواند به رغم جوشش احساسات، خود را به منطقی زیستن عادت دهد.

۱-۲- هویت اجتماعی

اجتماع، در حقیقت میدان و بستری برای تمرین زندگی و تعامل صحیح است و کسب مهارت های فردی و اجتماعی، می تواند انسان را از احساس پوچی و در نتیجه چنگ زدن به ریسمان های پوسیده و سست نجات دهد. هویت اجتماعی دانشجوی اقتضا می کند تا در اندیشه تشکیل خانواده و در نهایت مباشرت با جنس مخالف در محیط دانشگاه قرار گیرد. پدید آمدن انجمن ها و تشکل های صنفی، علمی، دینی، تفریحی، سیاسی و ... در واقع نمودهایی از این هویت است. این تشکل ها و انجمن ها، میدانی برای فعلیت بخشیدن ابعاد هویتی اوست تا در این راه با تعامل و همکاری جامعه و دانشگاه به کسب مهارت پرداخته و در راه ساختن جامعه ای منطبق با نوع تجربه و تفکرش گام بردارد.

اگر هویت اجتماعی از دانشجو سلب شود، آمادگی لازم برای حضور سازنده و مؤثر در اجتماع را از دست می‌دهد. بنابراین جلوگیری از پدید آمدن تشکلهای دانشجویی در حقیقت جلوگیری از تحقق هویت اجتماعی دانشجوست. اگر این واقعیت را پذیرفتیم باید محیط دانشگاه را برای ابزار و مناسباتی که به دانشجو هویت اجتماعی ببخشد فراهم کنیم.

نکته دیگر اینکه، معمولاً یک دانشجو پس از ورود به دانشگاه با هنجارهای تازه ای روبرو می‌شود که می‌توان آن را نوعی از اجتماعی شدن ثانویه محسوب نمود، که این اجتماعی شدن توسط دانشگاه و نهادهای دانشجویی شکل می‌گیرد. لذا لازم است در محیط دانشگاه مناسباتی را فراهم آوریم که در این مسیر نیز هویت اجتماعی دانشجو دچار انحراف نگردد. اگر به دانشجو هویت اجتماعی مناسب ارائه شود، دیگر برای ابزار وجود به دنبال راه‌های نادرست نرفته و اسیر چالش‌های مختلف فرهنگی نمی‌گردد.

۱-۳- هویت سیاسی

هویت سیاسی به این معنی است که دانشجو از وقایع، امور و سوابق جریان‌های سیاسی داخلی و خارجی مطلع است و به درک صحیح از انگیزه‌های مراکز قدرت و حاکمیت و یا احزاب و گروه‌ها و آگاهی از وقایع تاریخی و سوابق آنها، همچنین آگاهی از هویت ملی و مردم خود یا هویت قطب‌های قدرت جهانی ... نائل آمده است.^۴

این هویت، یکی از شاخصه‌های مهم حیات دانشجویست. می‌توان گفت که هویت سیاسی دانشجو، دانشگاه را تبدیل به چشم بینایی در نظارت بر حاکمیت می‌کند و به نوعی حافظ استقلال نظام خواهد بود. نظام اگر بخواهد متکی بر مردم باشد و نه متکی بر قدرت نظامی، باید هویت سیاسی دانشجو را تقویت کند. داشتن اطلاعات سیاسی به روز، لازمه این هویت است. نشانه آگاهی سیاسی دانشجو، عشق به در جریان قرار گرفتن مسائل روزمره کشور و جهان و پیگیری منابع اطلاع‌رسانی صادق است. البته در این مسیر، هوشیاری سیاسی به مراتب مهم‌تر از اطلاعات سیاسی است. چرا که هویت سیاسی دانشجو با تحلیل سیاسی تکامل می‌یابد و در نهایت به اقدام سیاسی ختم می‌شود. همچنانکه اگر فقدان هوشیاری سیاسی با خلأ عاطفی، بی‌هویتی علمی و عقده‌های شخصیتی همراه شد دانشجو را حتی از یک ابزار انسانی تنزل می‌دهد و به ابزاری فیزیکی یا بلندگویی برای رساندن تهمت و دروغ مبدل می‌کند و چه زیانبار است وجود چنین دانشجوی ناآگاه سیاسی برای محیط علمی دانشگاه و جامعه مستقل.

۱-۴- هویت معنوی

مهمترین بعد هویتی دانشجو، هویت معنوی اوست. در حقیقت حکم حافظ و نگهبان هویت علمی، سیاسی، اجتماعی و... را برعهده دارد. سخن در باب اهمیت هویت معنوی بسیار است. اگر دانشگاه نتواند به دانشجو هویت معنوی ببخشد، هرگز دانشگاه مدتظر اسلام پدید نخواهد آمد. مباحث مربوط به دانشجویان و دانشگاه‌ها همگی معلول علت‌هایی است که باید در مقاطع پایین‌تر به جست و جوی شتافت و سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی ما، متأسفانه به گونه‌ای نیست که تربیت‌کننده معلمانی کارآموده و الگو برای فرزندان این مرز و بوم باشد. نکته دیگری که از آن غفلت شده این است که ما بیشتر روی احساسات مذهبی کار کرده‌ایم تا شناخت مذهبی. ما زمانی شاهد تبلور رفتار مذهبی مطلوب هستیم که رفتارهای مذهبی بر پایه باورهای عمیق، دقیق، عاطفی و منطقی بروز پیدا کند. متأسفانه موانع و چالش‌های زیادی بر سر راه فعلیت یافتن هویت معنوی دانشجو است. حقیقت این است که جامعه ما مبتلا به درد کم سواد یا شاید بی‌سوادی دینی است. حتی گاه بعضی از مدیران ناآگاهانه و شاید آگاهانه در مقابل ایجاد این چالش‌ها خود را به غفلت زده‌اند.

۲- چالش‌های هویت دانشجویی

شخصیت دانشجو به اقتضای سنش، ثابت و پایدار نیست و همواره در معرض تزلزل است. دوره جوانی دوره انتقال از عدم تشخیص به سوی شخصیت یافتن است. مرحله تکوین شخصیت حقیقی و واقعی دانشجو با چالش‌ها و آفاتی دست به گریبان است که بازشناسی این چالش‌های هویت دانشجویی و مواجهه منطقی با این آفات، در شکل‌پذیری صحیح هویت دانشجوی جوان از اهمیت زیادی برخوردار است. در ذیل به اهم این چالش‌ها اشاره می‌شود؛

۲-۱- هیجان جوانی و غرور علمی

شور و حال جوانی در دانشجویان، انگیزه حرکت به سوی بلوغ فکری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. موريس ديس می‌گوید: «شور و هیجان جوانی با شکفتگی فکری موافق و مساعد نیست ... در واقع در این مرحله منافع فکری در مقابل منافع احساساتی و هیجانات سرخ می‌کنند»^۵. بیشترین تأثیر این آفت غالباً متوجه هویت علمی دانشجوست. اگر شور و حرارت جوانان دانشجو به گونه مطلق مورد تشویق و ستایش قرار گیرد، بدون استفاده از ارزش‌های عالی‌تر و هویت معنوی، جهت تعیین دایره فعالیت آن، در کوتاه‌ترین مدت روح خودبینی و پر ادعایی و لجاجت با نوعی غرور علمی همراه شده و گاهی آن چنان دانشجو را خودمحور می‌سازد که دیگر نقش هیچ کس یا هیچ چیز را قبول ندارد. در آموزه‌های اسلامی، به خصوص قرآن کریم، این روحیه تحت عناوینی چون لجاجت، خودخواهی و ناسپاسی، در آیات زیر به زیبایی ترسیم شده است؛ خودخواهی «بقره: ۲۱۲؛ آل عمران: ۱۵۵؛ کهف: ۳۵-

۳۴. ناسپاس لجوج «فصلت: ۵۰؛ انسان: ۲۴» و در جای دیگر علم و دانش را، از اسباب غرور و تکبر معرفی شده است: « قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا وَ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ » [قصص: ۷۸] [قارون] گفت: «من اینها را در نتیجه دانش خود یافته‌ام. آیا وی ندانست که خدا نسلهایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال‌اندوزتر بودند؟ [و لی این گونه] مجرمان را [نیازی] به پرسیده شدن از گناهانشان نیست. غرور علمی، گاهی آن چنان انسان را خودمحور می‌سازد که دیگر نقش هیچ کس یا هیچ چیز را قبول ندارد. «إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي». در واقع آیه شریفه به علم خود نازیدن را اخلاق قارونی معرفی می‌نماید.^۶ به هر حال تردیدی نیست که هدف دانشگاه، باید رشد فکری دادن به متعلم و به جامعه باشد. تعلیم دهنده و مربی هر که هست (معلم است، استاد است، خطیب است، واعظ است) باید کوشش کند که [به متعلم و مترتی] رشد فکری یعنی قوه تجزیه و تحلیل بدهد، نه اینکه تمام همش این باشد که دائم بیاموزید، فرا گیرید و حفظ کنید. چرا که حاصل این روش چیزی جز همان غرور علمی کاذب نیست.

۲-۲ - ناامیدی نسبت آینده مبهم

به رغم خودنمایی جوانه‌های شخصیتی در خانه روح، جوانی را دوره تنهایی و دوره احساس خلأ نامیده‌اند. جوان نمی‌داند او کیست، دقیقاً نمی‌داند به کجا خواهد رفت و به دلیل توانایی نوظهور تفکر انتزاعی درباره مطالب، آینده را به عنوان اولین مشکل در زندگی خود به حساب می‌آورد.^۷ چنین جوانی تعریف مشخصی از خودش ندارد و نمی‌داند که کیست، چه کسی باید بشود و در شرایط بحرانی چطور تصمیم بگیرد و ... به عبارت دیگر، دچار اغتشاش و چندگانگی هویت و آسیب‌هایی مانند کمی اعتماد به نفس، خمودی، پوچی و افسردگی می‌شود و چون این مسایل در ناخودآگاه فرد روی می‌دهد، خودش هم دقیقاً نمی‌داند که هویتش دچار اغتشاش شده است؛ ولی با توجه به رفتارهایش می‌توان به پوچی و اضطراب حاکم بر درونش پی برد. ناامیدی و کم شدن انگیزه که در بسیاری از دانشجویان وجود دارد بر خلاف تصور، به محیط دانشگاه ارتباطی ندارد، بلکه به فرهنگ غلطی بر می‌گردد که متأسفانه در جامعه ما جا افتاده است. از بارزترین نمونه‌های این چالش توقع بی‌جای افراد از دانشگاه، که این محل را با مرکز کارآفرینی اشتباه گرفته‌اند و توقع دارند دانشجو بلافاصله پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه صاحب شغل شود، نیز بر حساسیت این چالش می‌افزاید. در حالی که دانشگاه فقط نیروهای متخصص را تربیت می‌کند و رسالت کارآفرینی برعهده خود فرد و جامعه می‌باشد. بروز این تفکر که بسیاری از دانشجویان نمی‌توانند پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه شغل مناسبی بیابند،

احساس بی انگیزه بودن نسبت به تحصیل را به وجود می آورد و این فرایند در هویت دانشجوی خلی پدید می آورد و پیامدهای ویرانگری را می آفریند که دانشجوی از هویت حقیقی خویش فاصله گرفته و حتی گاهی به دنبال هویت منفی می گردد؛ هویتی درست برخلاف آن چه که برای او در نظر گرفته شده است. عدم برنامه ریزی صحیح برای زیرساخت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای آینده جوانان نیز از دلایل بروز و تشدید این آفت هویت دانشجویی می باشد. نسل جوان دانشجو باید جدی تر گرفته شوند؛ زیرا اگر در این زمینه برنامه ریزی منسجم و اصولی صورت نگیرد، نسل دانشجوی ما نخواهد توانست به فعالیت های مفید خویش بپردازد. علاوه بر برنامه ریزی صحیح در این زمینه، آن چه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که دانشجو در این مرحله باید برای زندگی فلسفه ای پیدا کند و به احساس هویت - و شخصیت - دست یابد؛ چرا که او همچنان نگران فردای مبهم خویش است و نیازمند به تربیت همه جانبه. خیرخواهی برای اعضای خانواده و جامعه و تربیت دینی آنان، تکلیفی بایسته برعهده مؤمنان است و مورد سفارش قرآن کریم: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ... (تحریم: ۶)* اما افسوس که این مهم، فعلاً در معرض فراموشی قرار دارد! ایجاد شخصیت [هویت] مستلزم تربیت و پرورش همه جانبه و جامعی است که هم به جسم و هم به عقل و هم به احساسات و منش (تمایلات اخلاقی) مربوط می شود، در این دوره که تربیت منش اسلامی برای رقم زدن آینده در اولویت قرار دارد، متأسفانه به دلیل پرداختن به مسایل ظاهری و پوچ، فدای تربیت غیر اسلامی شده است.

۲-۴- مشکلات مربوط به غریزه جنسی

آسیب پذیری انسان، در برابر تمایلات شهوانی، در قرآن کریم این گونه به تصویر کشیده شده است: *«وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا» (نساء: ۲۷)*؛ و خداوند می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک سازد) ولی کسانی که از هوس ها پیروی می کنند، می خواهند که شما به انحرافی بزرگ تمایل پیدا کنید.

می خواهند با کمک و مساعدت و توافق خویش، شما را از راه راست منحرف سازند؛ زیرا انحرافی بزرگتر از موافقت با پیروی از شهوات نیست.^۸ آزادی های جنسی در دید اول، نوعی لذت و کامجویی است، لیکن با توجه به عوارض فردی و اجتماعی آن، بزرگترین سقوط و انحراف است. بی بند و باری، جسم را ذوب، فکر را مشغول، اموال را تباه و اطمینان را سلب می کند. میل به تشکیل خانواده را از بین می برد، فرزندان نامشروع به جامعه تحویل می دهد، امراض مقاربتی و روانی به بار می آورد و در یک کلمه، آزادی جنسی، بزرگترین اسارت ها را به دنبال دارد. و دیگر این که مردم عاصی کوشش

می‌کنند، که سایرین را در معصیت با خود شریک سازند تا از ملامت و توبیخ ایشان، آسوده گردند. گنهکار با گنهکار انس می‌گیرد و کوشش می‌کند که او را به گمراهی بیشتری بکشاند، همانطوری که اهل طاعت با اهل طاعت، انس می‌گیرند! آری؛

کبوتر با کبوتر باز با باز کند همجنس با همجنس پرواز

دانشجو نیز از این قاعده مستثنی نبوده و می‌توان او را به دلیل قرار گرفتن در شرایط خاص، آسیب پذیرتر از بقیه اقدار جامعه دانست. غریزه جنسی با حالات مشخص و اصلی یک غریزه ظاهر می‌شود؛ یعنی به منزله یک نیروی محرک، مقدماتی که روش و جهت آن معلوم و در عین حال خارج از اراده و اقتدار شخص است، رفتارش درهم و برهم و زننده می‌شود. ظهور غریزه جنسی همراه با بیداری واقعی احساسات است که در نتیجه آن ممکن است هزاران افکار و تخیلات هوس‌آمیز و افسانه مانند بروز نماید. دیر یا زود غریزه جنسی تا سرحدّ وجدان نفوذ کرده و تحریکات شهوانی همچون تصادم امواج با ساحل، شروع به مبارزه می‌کند. عمل این غریزه آن قدر قوی است که در واقع مرکز تحریکات مستقیم برای تمام آرزوهای اعضای مختلف بدن می‌گردد و تأثیر غیر مستقیم آن خیلی بیش از این هاست. و با نهایت تاسف، اذعان می‌داریم که شاهد تاثیرات مخرب این چالش در محیط علمی دانشگاه نیز هستیم! نیز با توجه به اینکه خداوند سبحان فرموده است انسان ضعیف آفریده شده؛ لذا قدرت مقابله با طغیان این غریزه برای دانشجوی آرمیده در بستر گناه، کاریست بس مشکل و تنها سفارش به ترک نگاه حرام برای دانشجو که در دوران طوفان غرایز به سر می‌برد، کافی نیست. مسأله‌ی ازدواج را باید حل کنیم. اینک باید دید از نظر قرآن کریم با این آفت، چه باید کرد؟

اهتمام به ازدواج جوانان و آسان‌سازی آن

هنگامی که انسان از مرحله تجرد پا به مرحله زندگی خانوادگی می‌گذارد، شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابد. احساس مسئولیت و تعهد نسبت به خانواده، از شاخصه‌های بارز این بخش از زندگی می‌باشد. در جای جای آموزه‌های دین اسلام، تشکیل خانواده، به عنوان یکی از مهم‌ترین طرق جلوگیری و درمان چالش‌های غرائز جنسی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (نور: ۳۲). آیه مبنی بر ترغیب و آسان‌سازی ازدواج و زناشویی جوانان و مردان که فاقد همسر هستند به این که ازدواج نمایند. هم‌چنین، پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم نیز به جوشش غریزه جنسی در جوانان توجه داشتند. تشویق‌های آن حضرت به ازدواج و کمک به این امر خیر، نگاه به حل مشکل جنسی جوانان دارد. در کنار توصیه‌های کلی، به طور مشخص برای تأمین سلامتی و پاکی جوانان،

پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم خطاب به آنها می‌فرماید: «یا معاشر الشباب من استطاع منکم الباءة فلیتزوّج فانه اغض للبصر و احصن للفرج»^۹؛ ای گروه جوانان! کسانی از شما که توان تشکیل خانواده را دارند، ازدواج کنند که کسب پاکی و پارسایی چشم و دامن است.

البته برای تحقق این ارزش مقدّس در دانشگاه و جامعه توصیه ی به ازدواج، به تنهایی شرط کافی نیست؛ بلکه برای دانشجوی مشغول به تحصیل، عدم تسهیل امر ازدواج از سوی مسولین جامعه، خود می تواند به معضلی بس بزرگتر تبدیل گردد. لذا، با این تفاسیر باری که بر دوش مسولین جامعه نهاده شده سنگین تر می نماید. قران و سنت پیامبر (ص) بر اساس شناخت واقع بینانه جوانان و تعامل بایسته با آنان، تحولی را بنیاد نهاده که یقیناً به تعیین سرنوشت بشر، به صورت ایده‌آل، منتهی می‌شود. از این رو، هم والدین و هم جامعه، نقش اساسی در امر ازدواج جوانان را برعهده دارند که زمینه و مقدمه آن را برای این قشر آسیب پذیر جامعه فراهم کند. در این باره قرآن کریم (نور: ۳۲) مردم، جامعه و مسولین را مخاطب و به تسهیل این امر موظف می داند. نقش نهادهای حکومتی نیز در تهیه مقدمات ازدواج، از اهمّیت ویژه برخوردار است. تمرکز فعالیت های این نهادها در دو بُعد، می تواند راهگشای چالش در این زمینه دانست. نخست ساحت فرهنگی؛ که هدف و زیر بنای انقلاب ما، فرهنگ است؛ لذا همه برنامه ها و طرح ها باید حول محور فرهنگ، اجرا گردد. حکومت اسلامی موظف است جهت تشویق و تسهیل جوانان و بالاخص قشر دانشجو، در امر مقدّس ازدواج و رفع موانع پیش روی آنان در این زمینه اقداماتی لازم و بایسته را انجام دهد. همچنین دومین وظیفه نهادهای مربوط در زمینه متوجه ساحت اقتصادی است؛ اگر چه اقتصاد، در فرهنگ ما هدف نیست، ولی مهمترین ابزار رشد و تعالی و رسیدن به سعادت هر دو جهان است. لذا در زمینه اقتصادی نیز وظایف سنگینی جهت ارتقا وضع جوانان و دانشجویان به عهده مسولین نظام است. بنابراین همیاری با دانشجویان در جهت رفع موانع ازدواج، بالندگی و شکوفایی توانایی‌های متنوع دانشجویان را، در ابعاد مختلف هویتی (علمی، اجتماعی، سیاسی و معنوی و ...) به ارمغان می‌آورد و راه بهره‌گیری از نیروی عظیم آنها را در مسیر تعالی و پیشرفت، هموار می‌کند. چرا که پیروی از شهوات، موجب جهالت آدمی و قرار گرفتن وی، در زمره بی خردان می شود که این مطلب، نقطه مقابل رسالت دانشگاه اسلامی در راستای هویت بخشی به دانشجو می باشد. و گویا نتیجه این بی توجهی ارتباط مستقیمی با جهل و حماقت دارد: «أُنْتَكُمُ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (النمل: ۵۵).

خلاصه بحث این می باشد که پیروی و پایبندی به احکام ازدواج و همیاری دانشجو، زمینه‌ی سبکباری و دور ماندن دانشجو و جامعه از آفات و چالش های کنونی است.

۲-۵- استقلال طلبی

دانشجو با آنکه ممکن است رفتارها و تصمیم های او نادرست و خطا باشد، اما به دلیل حس استقلال طلبی و خودبستگی، همه عوارض این گریز از تعلق را می پذیرد و بر پای خویش می ایستد. حس استقلال، اثبات شخصیت و اعمال اراده در دانشجو، ایجاب می کند که بزرگترها به او اجازه « نه گفتن » بدهند و گفت و گوی با وی را برای رسیدن به توافق، سازنده بشمارند. در این روند خطر انکار اراده دانشجویان به معنای سرکوب احساسات و شکستن اراده آنهاست. شور و هیجان پر قدرت استقلال طلبی آتشین و آمیخته با زمینه های آسیب پذیری، شانس خردمداری را در دانشجو شدیداً کاهش می دهد. باید توجه داشت که روح بلند پرواز دانشجویی قرار گرفته در برزخ هویت یابی، سرگردان و حیران است و هر فرصتی را جستجو می کند تا شخصیت آرمانی را که برایش خوشایند جلوه نموده، بیازماید و نظر دیگران را به خود جلب کند لذا یک اشتباه در این برهه از زندگی کافیتست تا مسیر زندگی جوان ما را به قهقرا بکشاند. در این برهه، دانشجو به نوعی خود برترینی و اعتماد به نفس کاذب دچار شده، خود را عقل کل دانسته و تجربیات و عقاید دیگران را به دید تمسخر می نگرد. اگر نداند که کدام ستایش از طرف دیگران به صلاح اوست و کدام نکوهش در جهت ساختن هویت صحیح علمی، اجتماعی، معنوی و ... بر علیه اوست چگونه می تواند در برابر مستی ناشی از علم، ستایش و جوانی، به حراست و نگهبانی از خود پردازد. به روایتی امام علی علیه السلام فرمود: « ینبغی للعاقل ان یحترس من سکر المال و سکر القدره و سکر العلم و سکر المدح و سکر الشباب فان لكل ذلك ریحاً تسلب العقل و تستخفّ الوقار ». یعنی: شایسته عاقل است که در برابر مستی ناشی از ثروت، قدرت، علم، ستایش و جوانی، به حراست و نگهبانی از خود پردازد؛ زیرا هر کدام از آنها، بادی دارد که عقل را زایل و بزرگواری را به سبکی و دیوانگی می کشاند.

از این رو دانشگاه و اساتید باید ضمن توجه کامل به حس استقلال طلبی دانشجو و با عنایت به چنین خلق و خویی برای پرورش و برقراری ارتباط صحیح و سازنده او با محیط پیرامونش، برنامه ریزی کنند و بتوانند شاهد ثمر بخشی حس استقلال طلبی او باشند نه سرکوبی آن.

۲-۶- دوستی های افراطی

یکی دیگر از عوامل مخرب در هویت اجتماعی دانشجو، همین چالش است. خوابگاه های دانشجویی، زمینه های مساعدی برای شکل گیری دوستی های افراطی است. معمولاً این گونه محیط ها از یک سوی، متضمن قطع روابط و پیوندهای عاطفی فرد با خانواده اوست و از دیگر سو، موجب ارتباط تنگاتنگ و خاصی میان دانشجویان می شود. شاید بتوان گفت دانشجویان بیش از دیگران به

دوستی‌ها پایبندند، ولی بعضاً در این مورد به افراط کشیده می‌شوند. باید توجه داشت که این نوع گرایش‌های افراطی توأم با احساسات، در دختران جوان بیش از پسران مشاهده می‌شود. متأسفانه در این دوران، تعادل موجود بین احساسات و اندیشه‌های منطقی دانشجوی بر هم می‌خورد و کفّه احساسات سنگینی می‌کند و عقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برخی راهکارها و شیوه‌های پیشنهادی در این زمینه، عبارتند از:

* تأمین و ارضای نیازهای روحی دانشجویان در حد متعادل، آنان را از دوستی‌های افراطی، بی‌نیاز می‌نماید.

* تکریم منزلت و تجلیل از شخصیت دانشجوی توسط خانواده و استاد، آنها را از گرایش نامعقول و افراط گونه به دیگران، باز می‌دارد.

* تعادل در رفتار با دانشجویان، آنان را به اتخاذ عکس‌العمل‌های منطقی و طبیعی وا می‌دارد، رعایت این امر به ویژه از جانب اساتید، مشاوران و مسئولین دانشگاه‌ها، بسیار ضروری می‌باشد. * جایگزینی حداقل یک واحد فعالیت‌های ذوقی، هنری، فکری و عملی می‌تواند خلأ به وجود آمده در زمینه‌های عاطفی و مناسبات انسانی دانشجویان را پر کند و زمینه ساز شخصیت سالم در آنها شود. * ترغیب دانشجویان به ازدواج به موقع و با شرایط متناسب به گونه‌ای که روح سادگی و صمیمیت بر آن حاکم بوده و از تشریفات بی‌مورد جداً و برکنار باشد، گام دیگری در جهت حلّ این مشکل محسوب می‌شود.

* تقویت مبانی اخلاقی و دینی دانشجویان، تعیین‌کننده نحوه جهت‌گیری آنها در برخوردها و ارتباطات انسانی است و این خود برخاسته از کیفیت تربیت دینی خانواده است و آشنا نمودن نسل جوان، با محبت و جذبه الهی، مانع شکل‌گرفتن دوستی‌ها و علایق افراطی است. در این راستا نباید از نظر دور داشت که بذر اولیّه را پدر و مادر می‌کارند. هر چند ریشه مبانی اخلاقی و دینی دانشجویان به نوع تربیت خانوادگی دانشجوی بر می‌گردد اما تقویت و تثبیت هویت معنوی او مسلماً با نوع تربیتش در دانشگاه نیز ارتباط مستقیم دارد.

۷-۲- مدگرایی

از منظر دین و عقل، آراستن ظاهر امری پسندیده بوده و به آن توصیه شده است، البته در حدّی که از اعتدال خارج نشود و به تجمل‌گرایی، اشرافی‌گری، مدپرستی، اسراف، تکبر، فساد، خودنمایی افراطی و فخر فروشی تبدیل نشود. اما در دانشگاه آفتی تحت عنوان مدگرایی بروز کرده و به هویت حقیقی دانشجوی صدمه زده است. براساس آموزه‌های دین اسلام علم و دانش اگر توأم با تقویت هویت

معنوی باشد مانع تکاثر و زیاده طلبی ومد گرایست: « أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ » (تکاثر: ۵).

۲-۸- ناآگاهی از فرهنگ ملی - اسلامی و تهاجم فرهنگی

چالش دیگر این است که دانشجوی ما هنوز با گنجینه غنی فرهنگی خود آشنا نیست. در ابتدای کلام باید گفت که سیستم کنونی دانشگاه های ما در بروز این چالش دخیل است. چرا که خود مسئولان و استادان دانشگاه هم با ارزش های ملی و اسلامی خود آشنا نیستند. و دیگر نقش دانشگاه در ایجاد این آفت هویتی در دانشجو این است که متأسفانه اغلب مسائلی را که دانشجویان در دانشگاه می آموزند، تئوری ها و تحقیقات و نظریه های دانشمندان غربی است و این امر آسیب های فراوانی را به هویت دانشجویان وارد می کند. اولین آسیب این است که تئوری های غربی ها در آب و گل فرهنگ غرب شکل گرفته است. لذا مطالعه و پذیرش این آرا و افکار، تسلط فرهنگ غرب را بر اندیشه دانشجویان ما در پی خواهد داشت. هنگامی که ما عملاً به سراغ تحقیقات آنها می رویم از آن جا که این تحقیقات با فرهنگ ما سازگار نیست و در واقع استنشاق علمی از فرهنگ غرب است، به دانشجویان ما ابزارها و مقیاس هایی را معرفی می کند که نه تنها وطنی و بومی نیستند، بلکه با مبانی نظری ما در تضادند و این مسأله دانشجوی ایرانی را بتدریج گرفتار از خود بیگانگی فرهنگی می کند. از سوی دیگر، وقتی دانشجویان ما در کتاب هایشان نتایج تحقیقات دانشمندان غربی را مشاهده کرده و کمتر به نام یک ایرانی بر می خورند، به طور ناخودآگاه این ذهنیت به آنها القا می شود که افراد غربی از توانایی بیشتری برخوردارند در نتیجه اعتماد به نفسشان کاهش می یابد. ما اگر در پی تربیت دانشجویی با هویت اصیل دانشجویی هستیم باید سیستم فعلی آموزش عالی را متحوّل و در واقع به غنای فرهنگی خود برگشته و آنها را تقویت نماییم. فرهنگ شرق به ویژه فرهنگ ایرانی، از غنای شایان ذکری برخوردار است، ولی در جامعه ما به این گنجینه گرانبها توجهی نمی شود. ما تمدن ارزشمندی داریم که با آبشخور وحی و احادیث پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) آبیاری شده و به اندازه ای در آنها مفاهیم دقیق انسانی، روان شناختی و جامعه شناسی نهفته که می تواند به عنوان منبعی قدرتمند مورد استفاده قرار گیرد.

اما مهم تر از این مسایل، خلأیی است که این فرهنگ در ذهن جوانان ما ایجاد می کند، زیرا همان طور که قبلاً هم گفتم، پشتوانه فرهنگ ایرانی - اسلامی در ادبیات، هنر، اسطوره ها و به طور کلی در تمام پشتوانه ملی است که همراه با فرهنگ غنی اسلام در کتابهای گرانقدری مانند قرآن کریم،

نهج البلاغه، صحیفه سجادیّه و... نمود پیدا کرده است، در لابلای عروق و مویرگهای تمام جوانان ما وجود دارد؛ ولی چون به نحو مناسبی به جوانان ما تزریق نمی شود، دچار خلأ فرهنگی می شوند. در نتیجه، فرهنگ بیگانه راحت تر می تواند به روح آنها رخنه کند؛ دقیقاً مثل انسانی که به دلیل ضعف جسمانی توانایی مقاومت در برابر میکروبیهای مختلف را ندارد و به محض اینکه در فضای آلوده قرار می گیرد بیمار می شود. آن چه که در باب تهاجم فرهنگی باید بیشتر مورد دقت و توجه قرار گیرد این است که تهاجم فرهنگی، ابزار مناسب و مقتضی را برای پیشبرد اهدافش در میان جوانان، پسران و دختران دانشجوی، جست جو می کند. ایجاد انگیزه برای دوستی با جنس مخالف، تلاش برای عادی جلوه دادن این قبیل دوستی ها، رواج بی بند و باری، قطع ارتباط فرهنگی میان نسل جوان و ارزش های دینی و معنوی، ایجاد تزلزل در روابط صمیمانه خانوادگی، دامن زدن به بحران شک و تردید نسبت به باورها و معتقدات مذهبی، همه و همه از دیگر آفاتی است که تهاجم فرهنگی غرب در پی دارد و تهاجمی که علیه ملت به پا خاسته ایران و به خصوص قشر دانشجوی ماست. اگر به تقویت اعتقاد و اخلاق دانشجویان و ریشه دار نمودن فرهنگ آنان به طور شایسته اقدام کنیم دانشجوی مسلمان، فردی بی مسئولیت و سبک نخواهد بود که به هر آهنگی فریفته شده، به دنبال دشمن فریبکار، بدون حساب به راه افتد.

۲-۸-۱- راهکارهای مقابله

حال باید پرسید دانشگاه های ما در قبال این چالش چه رسالتی بر عهده دارند؟ و چه روشی در قبال این پدیده باید در پیش گرفت؟ ذیلاً به بیان از شیوه های رویارویی با آن می پردازیم:

۲-۸-۱-۱- شناخت ارزش های فرهنگ ملی و اسلامی

مهمترین دلیل بحران موجود در قشر دانشجوی، عدم زیرساختهای فرهنگی و اجتماعی برای آینده جوانان و معرفی نکردن الگوهای مناسب رفتاری به آنان است.

شناخت یک فرهنگ در حقیقت معرفت به ویژگی های مشاهیر، ارزش ها و برتری های آن فرهنگ نسبت به سایر فرهنگ هاست. قشر دانشجوی، باید به امتیازات فرهنگ اسلام و ملی خویش آشنا باشد تا در مقابله با فرهنگ های بیگانه از اعتماد به نفس بالایی برخوردار باشد. تاریخ تحلیل « فرهنگ خودی » و مطالعات تطبیقی فرهنگ های معاصر، و به ویژه بررسی در ماهیت انقلاب اسلامی و تأثیری که این انقلاب بر معادلات سیاسی، اجتماعی جهان معاصر داشته است دانشجویان را در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مقاوم می کند و این امر با بازگشت فرهنگ خودی، امکان پذیر خواهد بود. احیای ارزش های اسلامی گام عملی و مهم دیگری است که در این راه باید برداشته شود و این فریضه را

اندیشمندان و دل آگاهانی باید به جا آورند که از یک سو، در شناخت ابعاد روحی دانشجویان کارآمد باشند و از سوی دیگر، ارزش های اسلامی را در عمق جان خویش باور کرده باشند

۲-۸-۱-۲- ایجاد بینش نسبت به غرب

* غرب را خوب بشناسید و بشناسانید.

غرب شناسی به مفهوم شناخت ماهیت، عملکرد و شیوه های تبلیغاتی غرب می باشد. دانشجویان با آگاهی از خصلت های حاکم بر تفکر غرب و جهتگیری های آن در قبال ملل جهان سوم و دنیای اسلام از ماهیت غرب به خوبی آگاهی می یابند و نوع مواجهه و مکانیسم برخورد خود را مشخص می نمایند. بدون شک هر گونه موضع گیری اصولی و صحیح، در مقابل دشمن، مشروط به شناخت دقیق و کامل اوست و گرنه به برخورد های اتفاقی و کور دست خواهیم زد. اساتید می توانند با تبیین حرکت ها و خیزش های اسلامی در قرن اخیر در قبال سیاست های توسعه طلبانه و تجاوز کارانه غرب، بینش تاریخی و اجتماعی دقیقی در دانشجویان ایجاد کنند چنین شناختی از غرب و حالت سلطه طلبی آن، قدرت پوشالی و کاذبی را که غرب به خود گرفته است، کنار می زند و چهره واقعی آن را می نمایاند. اشاره شد که « غرب ستیزی » متوقف بر « غرب شناسی » و آگاهی از ماهیت غرب است. اگر دانشجویان ما در این خصوص نیک بیندیشند و پرده از چهره فریبنده غرب برگیرند و تمدن درون تهی و متزلزل آن را به درستی بشناسند، دیگر دل بسته آن نخواهند شد. همچنین نکته قابل تأملی که در این باره باید بدان اشاره کرد این است که هویت دانشجویان تا زمانی از غرب آسیب پذیر است که در خود اعتماد به نفس کافی برای مقابله با مظاهر غرب را نیافته است. در این صورت با کمترین ضربه فرو می ریزد و از پای می افتد. برای آسیب ناپذیری در برابر غرب، باید اعتماد به نفس را به آن ها باز گرداند؛ آن گونه که هیچ مانعی را در سر راه خود برای پیشرفت علمی و تکنولوژیکی احساس ننمایند و در رسیدن به اهداف، به خداوند ایمان داشته باشند و به توانایی های خود در این راه باوری عمیق پیدا کنند.

۲-۸-۱-۳- بازیابی هویت

هویت جویی، از اصلی ترین و مهم ترین شیوه های برخورد با این پدیده است. دانشجویی که از معرفت صحیح نسبت به هویت خویش برخوردار است می تواند جایگاه شایسته خویش را به مدد شناخت صحیح رسالت و هویت خویش احراز کند تا توان مقابله با تهاجم را دارا شود. نسلی که هویت خویش را می یابد نفوذ ناپذیر است و قدرت لازم را برای تحلیل و تفسیر وضعیت رویداد های فرهنگی

جامعه خود را نیز پیدا می کند. از این رو تلاش در جهت باز شناساندن هویت اصیل و معنوی دانشجویان، از ضروریات مبارزه علیه تهاجم فرهنگی است.

۳- وظیفه دانشگاه در قبال چالش های هویت دانشجویی

در لابه لای مباحث گذشته تا حدودی نقش دانشگاه در مقابل چالش های هویت دانشجوی مشخص شد؛ یادآور می شویم نهاد دانشگاه به عنوان مجری اصلی امر تعلیم و تربیت این قشر، برای موفقیت در راه ایفای رسالت خویش قبل از تعلیم هر دانش و آموزه، باید در مسیر تربیت و پرورش هویت اصیل دانشجوی قرار گیرد تا اولین گام را در این مسیر برداشته کما اینکه دانشجوی نیز به معنی صحیح، قدم در رسالت دانشجویی خود نهاده است. دانشگاه لازم است با ایفای رسالت الهی و حقیقی خود مقدماتی را فراهم آورد که نه تنها چالش های موجود را برطرف کند بلکه مهم تر از آن، از بروز آفات و چالش ها در این مهم جلوگیری نماید. عرفان اسلامی با غنایی کم نظیر می تواند به شکلی مطلوب و روان، به دانشجوی ارائه شود. برای دانشجویی که در برزخ هویت یابی دست و پا میزند و عاجزانه به دنبال یافتن و تثبیت هویت خویش است شناخت این فرهنگ والا به مثابه دستیابی به ارزش ها و آرمان هاست و قرار گرفتن در مسیر تربیت اسلامی ضامن تحقق هویت حقیقی اوست. امام علی علیه السلام با اشاره به تقاضاهای ارزشی مربوط به حس حقیقت جویی طالب علم و خطر قساوت که حقیقتی جز شکل گیری شخصیت غیر انسانی ندارد، می فرماید :

«انما قلب الحدث كالارض الخالية ما القى فيها من شيء قبلته فبادرتك بالادب قبل ان يقسو قلبك و يشتغل لبك»^{۱۱}؛ همانا دل جوانان همانند زمین آماده است که هر آنچه در آن کاشته شود می پذیرد. به همین دلیل پیش از آن که دلت قساوت گیرد و خردت به بند کشیده شود به تربیت پرداختم.

با تدبیر در آموزه های دین مبین اسلام می توان راهکارها و وظایفی را برای دانشگاه مشخص کرد که علاوه بر این که راهگشای چالش مورد بحث می باشد، در مسیر تحقق اهداف و ارزش های این نهاد، از اهم مسائل می باشند. در ذیل مهم ترین موارد مذکور بیان می شود؛

۳-۱- ترسیم شخصیت دانشجوی بر مبنای آموزه های اسلامی

ترسیم شخصیت جوان و مقام طالبان علم از دیدگاه آموزه های اسلامی، جایگاه معنوی آن ها را بدیشان می نمایاند و راه را برای تقویت مبانی فکری و اخلاقی آنان هموار می کند. برگزاری گردهمایی هایی با همین عنوان، از جوانان و طالبان علم و طرح چشم اندازهای قرآنی در زمینه مسائل ذی ربط، تعادل فروریخته آن ها را به نفع ارزش های معنوی برقرار می سازد. قرآن کریم با معرفی علم و دانش

اهل ایمان به عنوان معیار و مایه ترفیع درجه اهل دانش می فرماید: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر: ۹). این بینش در مقام تعلیل مساوی نبودن دو اهل علم بر سایرین، می فرماید: اینکه گفتیم مساوی نیستند، علتش آن است که عالمان به حقایق امور متذکر می شود و دومی نمی شود، پس برابر نیستند، بلکه آنها که علم دارند بر دیگران رجحان دارند. یعنی تنها کسانی متذکر می شوند که صاحبان عقلند. و در حقیقت علم، نشانه عبودیت است.^{۱۲} همین مضمون نیز از آیه « إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ » (کهف: ۲۸) قابل برداشت می باشد و بیان می کند عالم واقعی کسی است که خدا را به خوبی شناخته و برای او عمل می کند، و به او عشق می ورزد. کوتاه سخن اینکه " عالمان " در منطق قرآن کسانی نیستند که مغزشان صندوقچه آراء و افکار این و آن، و انباشته از قوانین و فورمول های علمی جهان و زبانشان گویای این مسائل، و محل زندگیشان مدارس و دانشگاه ها و کتابخانه هاست؛ بلکه علما آن گروه از صاحب نظران و دانشمندانند که نور علم و دانش تمام وجودشان را به نور خدا و ایمان و تقوا روشن ساخته، و نسبت به وظائفشان سخت احساس مسئولیت می کنند و از همه پای بندترند. به تصویر کشیدن شخصیت دانشجویان از دیدگاه معصومین - علیهم السلام - نیز افق روشنی را که از قرآن کریم پرتو بخش زندگی شان شده را گسترده تر می سازد؛ به ویژه آن که دیدگاه پیشوایان دین پیوسته متمرکز بر حفظ شخصیت و منزلت طالبان علم بوده و هست. در روایتی از امام باقر (ع) به منزلت دانشجو اینگونه اشاره شده است: *إِنَّ طَيْرَ السَّمَاءِ وَ دَوَابَّ الْبَحْرِ وَ حَيَاتَانَهُ - لَيْسَتْ غَيْرُونَ لِطَلَّابِ الْعِلْمِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.*^{۱۳} یعنی: پرندهگان آسمان و جنبندگان و ماهیان دریا تا روز رستاخیز برای دانشجو طلب مغفرت می کنند. و در حدیث دیگری از امام صادق (ع) روایت شده است: « *إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ مَنْ صَدَّقَ فِعْلُهُ قَوْلَهُ وَ مَنْ لَمْ يُصَدِّقْ قَوْلَهُ فِعْلُهُ فَلَيْسَ بِعَالِمٍ* » در آیه *إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ*؛ منظور از علما کسانی هستند که اعمال آنها هماهنگ با سخنان آنها باشد کسی که گفتار و کردارش هماهنگ نباشد عالم نیست^{۱۴} و در حدیث دیگری آمده: *اعلمكم بالله اخوفكم لله:* " از همه شما عالمتر کسی است که ترسش از خدا از همه بیشتر باشد^{۱۵} لذا اهتمام و توجه بیشتر به این امر، موجب جذب نسل آینده ساز کشور به ارزش های دینی می شود.

۳-۲- آرائه الگویی علم و اخلاق از منظر قرآن

از نظر جامعه شناسی هویت یک فرد، ترکیبی از هویت های مختلف است. مثلاً هویت یک فرد به عنوان فردی ایرانی ممکن است تحت تأثیر هویت های بومی، قومی و فرهنگی قرار بگیرد. بنابراین، اعتقاد به اینکه هویت پدیده منسجمی است که همه باید مطابق آن رفتار کنند، اشتباه است. هویت دانشجویی

هم همین طور است. به عنوان مثال، با توجه به اینکه یک دانشجو متعلق به کدام شهر یا روستا باشد و یا از چه دین و مذهبی پیروی کند و در چه خانواده و محیطی تربیت شده باشد، نوع رفتار و گرایش هایش تغییر می کند. بنابراین، هر کس برای خودش هویتی دارد و هیچ فردی بدون هویت نیست. مشکلی که دانشجویان ما با آن دست به گریبانند، بیشتر از آنکه به هویت ربط داشته باشد به بحران الگوها و نبود بسترهای مناسب فرهنگی بر می گردد. به عبارت دیگر، مهمترین دلیل بحران موجود در قشر دانشجو، عدم زیرساختهای فرهنگی و اجتماعی برای آینده جوانان و معرفی نکردن الگوهای مناسب رفتاری به آنان است.

براین اساس قدرت طلبان در همیشه تاریخ با استفاده از نیرنگ و شعارهای فریبنده به استثمار نیروی علمی جامعه می پرداخته اند. این نوع از غارتگری همچنان تداوم دارد؛ بدین ترتیب هزینه ای که دانشجویان به دلیل اشتباه در انتخاب الگو، به پای اهداف باطل سیاسی و اقتصادی کرده و می کنند، بسیار سنگین و تأسف بار می باشد. زندگی نامه های بزرگان علم و اخلاق که جوشیده از بطن فرهنگ اسلامی هستند، تأثیری عمیق بر تار و پود شخصیت دانشجو می گذارد و قبل از آن که قلب حساس و دل زلال این قشر به شوائب فرهنگی بیگانه آلوده شود، الگوها و اسوه های ایمان، خلأهای وجودی او را آکنده از سرچشمه زلال ارزش های اسلامی می کنند تا روزنه ها بر نفوذ هر بیگانه ای مسدود شود. سرگذشت استوانه های ایمان، که در تاریخ کم نبوده، ذهن متفحص و مستعد این قشر را از شکوه عرفان، بالنده و آکنده سازد؛ معرفی دانش طلبان جوان و نمونه، به ویژه آن اویس قرنی ها که در جوانی به مدارج عالی ایمان دست یافتند تاجایی که در راه حفظ عقیده و آرمان خویش و دفاع از کشورمان به درجه رفیع شهادت نائل آمدند، نیز می تواند به نحو بهتری تحقق بخش این هدف باشد. همچنین در مورد الگوگیری های نایسته، قرآن کریم بر این الگوها مهر بطلان می نهد و تمام قشرهای مسلمانان - اعم از دانشجو و غیردانشجو - را به الگوگیری از پیامبر خداصلی الله علیه وآله وسلم، فراخواند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱). پیامبر اکرم (ص) نیز بر مبنای قرآن به مسلمانان دستور داد که فرزندان شان را به محبت و الگوگیری از آن حضرت و خاندانش وادار نمایند تا از الگوگیری های ناروا در امان باشند: «دَبُّوْا اَوْلَادَكُمْ عَلٰی ثَلَاثِ خِصَالٍ حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَانَّ حَمَلَةَ الْقُرْآنِ فِيْ ظِلِّ اللّٰهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّهُ مَعَ اَنْبِيَآئِهِ وَ اَصْفِيَآئِهِ»^{۱۶}؛ فرزندان خود را با سه صفت تربیت کنید: با محبت پیامبرتان و محبت خاندان او و تلاوت قرآن. پس کسانی که بار قرآن را بر دوش می کشد، روز قیامت همراه انبیاء و برگزیدگان خداوند، در سایه او که تنها سایه موجود می باشد، قرار دارند. امام صادق علیه السلام نیز در کلامی گهربار، به قصد بر حذر داشتن جوانان از دنباله روی

جلو داران باطل و الگوگیری از آنها می‌گوید:

«یا معشر الاحداث اتقوا الله و لا تؤتوا الرؤسا و غیر هم حتی یصیروا اذنابا، لاتتخذوا الرجال و لایح من دون الله، انا و الله خیر لکم منهم»^{۱۷}؛ ای گروه جوانان! از خدا پروا کنید و به سراغ سران [شناخته شده] و غیر آنان، مروید تا آنان به تبعیت و دنباله روی کشیده شوند، این مردان را به جای خداوند تکیه گاه قرار ندهید، به خدا سوگند ما برای شما از آنها بهتریم.

۳-۳- توجه به نقش استاد در شکل‌گیری هویت دانشجوی

در آیه ۶۶ سوره کهف به نقش مهم و اساسی معلم برای شناخت استعدادها و ظرفیتها و آشکارسازی آن اشاره می‌کند. در این تفسیر معلم انسانی نیست که دانش‌های اکتسابی را به شخص می‌آموزد و تنها در مقام انتقال مفاهیم و کلمات است؛ بلکه معلم در تفسیر قرآنی و تحلیل آن، شخصی است که با بهره‌گیری از معارف و آموزه‌های خاص، راه سیر و سلوک را پیموده و توانسته است به دانش دست یابد که قابلیت‌های اشخاص را شناسایی کرده و به شخص یاری می‌رساند که آن را به فعلیت رساند و در مسیر تکاملی، خود را به کمال لایق و شایسته برساند. معلم هرکسی باشد می‌بایست در موردی که به وی رجوع می‌شود کامل و الگو باشد. البته هر کسی نمی‌تواند در همان مورد خود کامل مطلق باشد ولی کامل نسبی نیز مفید و مؤثر است. چنین شخصی می‌تواند با تصرف در شاگرد، او را پرورش دهد و افزون بر معرفی توانایی‌ها و استعدادهايش او را یاری رساند که به فعلیت رساند.

معلم و مربی می‌بایست در تعلیم خویش عناصر رشدی را مدنظر قرار دهد. تعلیم رشدی به این است که استعدادها و ظرفیت‌های شخص را شناسایی و معرفی کند و در کارگاه‌های علمی و عملی و پودمانی آنان را به کمال رساند و در ذات شخص تحقق دهد و یا یاری رساند که شخص آن‌ها را بشناسد و در خود پرورش دهد و به شکوفایی رساند. به هر حال معلم رشدی معلمان تعلیم و تزکیه هستند که استعدادهای دانشجوی خویش را شناسایی و معرفی کرده و با تصرف و یاری به او می‌کوشند تا شخص استعدادهای خود را به فعلیت رساند دانشجوی به آینده نگاه می‌کند، به همین دلیل تعلیم و تربیتش بر اساس نیازهای آینده او باید تنظیم گردد. امام علی علیه السلام می‌گوید: «اولی‌الاشیاء ان یتعلمها الاحداث الاشیاء التي اذا صاروا رجالاً، احتاجوا اليها» - «آموزش مسائلی به جوانان اولویت دارد که در بزرگسالی، مورد نیاز آنهاست».^{۱۸} «لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فأنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم».^{۱۹} «فرزندان تان را به رعایت آداب و رسوم خودتان مجبور نکنید؛ زیرا آنان برای زمان زمان غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

بر دانشگاه به عنوان متوالی این امر، فرض است، به گونه ای برنامه ریزی نماید تا اساتیدی سگان دار هویت بخشی به دانشجو شود که مصداق واقعی معلم رشدی باشد.

۳-۴- خداترسی، بهترین راه سازندگی

دانشجویان با صفای دل و فکر و اندیشه عمیق تر در عظمت خدا و جهان آخرت، نه تنها می توانند بر مشکلات زندگی پیروز می شوند، بلکه بر بیماری های روحی از قبیل پوچی، بی هدفی، دین گریزی و گرایش به مفاسد اجتماعی و اخلاقی چیره می گردند و در می یابند که مسیر واقعی زندگی از همین شاهراه میگذرد و انتهایش به عزت و سربلندی ختم می شود. کسی که خوی سرکش دارد، نمی تواند به عزت نفس برسد، تا کسی خود را محتاج خدا نداند و به عنوان عبد، احساس نیاز نکند صلاحیت شرکت در مدرسه تکریم الهی را ندارد و این نخستین مانع است که باید برطرف شود. قرآن کریم نیز در این باره می فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّا كَافٍ» (علق: ۷-۶) «حقاً که انسان سرکشی می کند، همین که خود را بی نیاز پندارد. علت طغیانش این است که او خود را بی نیاز از پروردگار خود می داند، پروردگاری که بر او انعام کرده و سراپای وجود او انعام وی است، و نعمت های بی شمار او را کفران می کند، و علت این انحراف آن است که انسان به خود و هواهای نفسانی خود می پردازد، و به اسباب ظاهری که تنها وسیله مقاصد او است (و نه هدف) دل می بندد، و در نتیجه از پروردگارش غافل می شود، و به هیچ وجه خود را محتاج او نمی بیند، چون اگر خود را محتاج او می دید همین احتیاج وادارش می کرد که به یاد او بیفتد، و او را ولی نعمت های خود بداند، و شکر نعمت هایش را بجای آورد، نتیجه این انحراف این است در آخر خدا را به کلی فراموش نموده، سر به طغیان بردارد.^{۲۰} بردارد.^{۲۰} از آن رو که عزت، مخصوص خداست، پس هر کس خواهان عزت حقیقی است، باید از راه اطاعت و بندگی خدا به آن برسد. با چنین رویکردیست که میتوان تمام علفهای هرزی را که مانع رویش و طراوت جوانه های هویتی دانشجویان ماست از بیخ و بن برکند و گامی استوار به سوی رفع چالش ها و ایجاد دانشگاه اسلامی برداشت.

۳-۵- تقویت روحیه تعبد

خداخواهی و انتخاب رضای خداوند به عنوان اساسی ترین هدف زندگی تنها وسیله ای است برای اشباع بلند پروازی ها، آرمان گرایی ها، پاکی طلبی های دانشجو. در سایه پرستش و بندگی خداوند، انگیزه اطاعت در تمامی عرصه های زندگی قابل گسترش است. اخلاق خدایی، پدید می آید، آرمان های خداپسندانه جا می افتد. آزادی معنوی و اجتماعی تأمین و زمینه روحی دشوارترین فداکاری ها، فراهم می گردد. «ان الله تعالی يحب الشباب الذی یفنی شبابه فی طاعة الله»^{۲۱}؛ همانا خداوند دوست می دارد

جوانی را که جوانی خود را در مسیر اطاعت او به مصرف می‌رساند. «ان الله يباهي بالشباب العابد الملائكة، يقول انظروا الى عبدى ترك شهوته من اجلى»^{۲۲}؛ همانا خداوند به جوانی که بندگی را پیشه خود ساخته است، بر فرشتگان افتخار می‌کند و می‌گوید: نگاه کنید، به بنده‌ام که برای رضای من، به شهوتش پشت پا زده است. «ما من شاب يدع لله الدنيا و لهوها و اهرم شبابه في طاعة الله الا اعطاه الله اجر اثنين و سبعين صديقا»^{۲۳}. یعنی: هر جوانی که خود را در راه اطاعت خداوند به پیروی رساند و دنیا و کارهای بیهوده آن را برای رضای او کنار گذارد، خداوند پاداش هفتاد و دو صدیق را به او می‌دهد. بندگی خداوند به معنای گسترده آن که پاسخی به تقاضای روحیه‌ی معنوی دانشجو می‌باشد، عاملی است برای تأمین تداوم فعالیت‌های آرمان‌گرایانه آنان تا بی‌نهایت.

۳-۶- گذشت از لغزش‌های دانشجو

دانشجو به لحاظ اقتضای سنش، از سویی پرسش‌های غیر منطقی ناشی از هیجان جوانی و انتقاد خشن دارد و باعث برانگیخته شدن دیگران می‌گردد و از سویی، ذاتاً نسبت به خود نامطمئن است و پذیرفته شدن در جامعه بزرگسالان و به دست آوردن موقعیت و محبوبیت برایش اهمیت ویژه دارد، به همین دلیل، انتقاد از او سبب پیدایش نگرانی، حس خود ناپسندی و احساس حقارت می‌شود. بنابراین گذشت از لغزش‌های دانشجویان، یک ضرورت تربیتی به حساب می‌آید. مولای متقیان حضرت علی علیه السلام طبق روایتی می‌فرمایند: « قال علیّ علیه السلام: جهل الشّباب معذور، و علمه محصور »^{۲۴}. یعنی: جهالت جوان، توجیه پذیر و دانشش اندک است.. گاهی شلوغ کاریها و کمیت‌های انضباطی و... که بخاطر خطایی قابل اغماض، بعضاً آبروی دانشجو را به باد میدهد می‌تواند مسیر زندگی دانشجو را به قهقرا بکشاند. براستی آنگاه چگونه میتوان پاسخگوی این ظلم بود؟!

۳-۷- رسمیت دادن به شخصیت دانشجو

نظر خواهی از دانشجویان - که به صورت جدی باعث به وجود آمدن احساس خود باوری می‌شود - در حقیقت به معنای باور کردن و به رسمیت شناختن استقلال و شخصیت آنان است و سبب پیدایش اتکای به نفس و رشد فکری می‌شود. این روش تربیتی در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بیان شده است؛ ایشان در این باره می‌فرمایند: «الولد سيد سبع سنين و عبد سبع سنين و وزير سبع سنين»^{۲۵}؛ کودک در هفت سال اول سرور و سالار است و در هفت سال دوم مطیع و فرمانبردار و در هفت سال سوم مشاور و کمک‌کار. جوان در این حدیث شریقی به « وزیر » تعبیر شده است و فرهنگ‌شناسان در مقام بیان مفهوم این واژه می‌گویند: «الوزير في اللغة اشتقاقه من الوزر و الوزر الجبل الذي يعتمص به لينجى من الهلاك و كذلك وزير الخليفة معناه الذي يعتمد على رأيه في اموره و يلجى اليه»^{۲۶}

وزیر در لغت برگرفته شده از «وزر» است و «وزر» به کوهی گفته می‌شود که به قصد رهایی از هلاکت به او پناه برده می‌شود. وزیر خلیفه، نیز معنایش این است که خلیفه در کارهایش به رأی و نظر او پناه می‌برد.

مطمئننا در دانشگاه نیز به کارگیری ذهن خلاق دانشجو و استفاده از نیروی جوانیش، نتیجه اعتماد به هویت دانشجویست که ثمره آن، شکوفایی اعتماد به نفس و در نهایت هویت اصیل دانشجویی است.

نتیجه گیری

دانشجو در این برهه از زندگی، اوج قدرت و توانمندی و فصل پر شکوه شکوفایی و معدن استعداد، قابلیت‌ها و آمادگی هاست که همه چیز برای تحوّل اساسی در وی آماده است. او دارای هویت علمیست پس باید مزین به اخلاق علمی شود تا اسیر غرور علمی و رکود فکری نگردد. لازم است که هویت سیاسی اش، با خمیرمایه‌ی هوشیاری سیاسی و اطلاعات صادق به دور از هر تعصب غلطی، بسته شود. اگر اختلاط دختر و پسران در دانشگاه، عاملی برای زمینه‌سازی آسیب در هویت اجتماعی او شد و او را به فساد اخلاقی سوق داد، به این معناست که هویت معنوی دانشجو و افق دید وی ضعیف است و در مسیر صعودی رشد و کمال قرار نگرفته است. اینجاست که ممکن است به سادگی اسیر چالش‌هایی همچون هیجان جوانی، غرور علمی، مدگرایی، دوستی‌های افراطی، تهاجم فرهنگی و ... شود. اگر دانشگاه و جامعه با بر نامه‌ریزی صحیح و تربیت اسلامی، بتوانند هویت معنوی را در او بارور کنند، وجودش صبغه‌خداایی می‌گیرد و قدرتی پیدا میکند که هیچ مانع و آفتی، یارای مقاومت در برابر او را ندارد؛ چرا که او در سایه‌ی کسب اعتماد به نفس و اطلاعات علمی ناب و توکل بر خداوند، می‌تواند به انتخاب و تصمیم‌گیری صحیح و آزادانه پرداخته و دیگر اسیر جهل و عوارض آن نخواهد شد. لازم است مسئولین دانشگاه و اساتید، ابعاد مختلف هویتی دانشجو را خوب شناخته و با اتخاذ روشی منطبق بر تعالیم اسلامی، جوانه‌های رشد انسانیت و خداترسی را در وجود این عنصر فعال و مهم دانشگاه و جامعه، بارور سازند. آری، بر مبنای تعالیم اسلام عزیز است که می‌توانیم دانشجویی را پرورش دهیم که علاوه بر اینکه حامل اطلاعات و آگاهی علمی وسیع، دقیق و به روز در رشته علمی خود باشد، دارای نوعی پاک‌ی، آزادی و حرّیت ذهن طی یک سلوک عملی باشد. هر گاه دانشجو با روحی پاک، عمیق بفهمد، عمیق بگوید و عمیق بنویسد، قادر است به معنای واقعی برای اندیشه خود ارزش قائل باشد و دیگر به سادگی اسیر دام انواع چالش‌هایی همچون: رکود فکری، تهاجم فرهنگی، مدگرایی، ابتذال اخلاقی و ... نمی‌شود.

پی نوشتها

- ۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۷.
- ۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۰.
- ۳- نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۵۷.
- ۴- سلمانپور، محمد جواد، هویت دانشجو، ص ۶۸.
- ۶- موريس دبس، مراحل تربیت، ص ۱۰۰.
- ۷- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۹، ص ۹۶.
- ۸- جان برنارد شاو، خود شناسی، ص ۲۹۰.
- ۹- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۵۸۶.
- ۱۰- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۲۸۹.
- ۱۱- نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۱.
- ۱۳- نهج البلاغه/ نامه ۳۱.
- ۱۴- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۳۷۱.
- ۱۵- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۱۳۸.
- ۱۶- شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیة المرید، ص ۱۸۱.
- ۱۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۴۴.
- ۱۸- متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶.
- ۱۹- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۳.
- ۲۰- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۳.
- ۲۱- همان، ج ۲۰، ص ۲۶۷.
- ۲۲- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۵۵۱.
- ۲۳- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۳۱۶.
- ۲۴- همان، ص ۳۰۳.
- ۲۵- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ص ۵۳۵.
- ۲۶- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱۷، ص ۱۷۱.
- ۲۷- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲.
- ۲۸- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۸۲.

منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

- ۱- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، ۱۳۶۶ ش، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران، چهارم.
- ۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، ۱۳۸۷ ش، شرح نهج البلاغه، مصر، دار احیاء الکتب العربیة، دوم.
- ۳- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ ق، عوالی اللئالی، قم، مطبعة سیدالشهداء، اول.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، سوم، دارالصادر، بیروت.
- ۵- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ ش، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، چهارم.
- ۶- جان برنارد شاو، ۱۳۷۶ ش، خودشناسی، ترجمه داود محب علی و همکاران، تهران، انتشارات علمی، دوم.
- ۷- حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۳ ق، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، پنجم.
- ۸- سلمانپور، محمد جواد، «هویت دانشجو»، مجله دانشگاه اسلامی، زمستان ۱۳۸۴ - شماره ۲۸.

-
- ۹- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۰۹ق، منیة المرید، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، اول.
- ۱۰- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، المیزان فی التفسیرالقران، مترجم: موسوی همدانی،
- ۱۱- محمد باقر، قم، دفترانتشارات اسلامی، پنجم.
- ۱۲- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المکتبۃ الحیدریة، دوم.
- ۱۳- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، چهارم.
- ۱۴- طبرسی، فضل بن الحسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصرخسرو، سوم.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن الحسن، ۱۳۷۷ش، جوامع الجامع، مترجمان، مشهد، بنیادپژوهش های آستان قدس رضوی، دوم.
- ۱۶- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، الامالی، قم، دار الثقافة، اول.
- ۱۷- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیرنور، تهران، مرکزفرهنگی درسهایی از قرآن، یازدهم.
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
- ۱۹- متقی هندی، علی، ۱۴۰۵ ق، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، پنجم.
- ۲۰- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم.
- ۲۱- موریس دبس، ۱۳۷۴ش، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاروان، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، دهم.
- ۲۲- نوری، حسین بن محمد، ۱۴۰۷ ق، مستدرک الوسائل، مشهد، مؤسسه آل البيت، اول.